

تفرقه و پراکندگی دیگر بس است، روی به وحدت آوریم!

نوشته‌ای در مورد جنبش کمونیستی ایران

جنبش عظیمی که با انگیزه قتل مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد به سرمایه‌داری حاکم، سرمایه‌داری در اپوزیسیون، خرده بورژوازی و پرولتاریا و نیز تمام نیروهای مترقی و ارتجاعی بین‌المللی نشان داد که تضاد زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی از یک جانب و بورژوازی ایران با تمام انواع آن از جانب دیگر به درجه‌ای از آشتی ناپذیری و شدت رسیده که سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده است.

در آن جنبش، اکثریت کارگران ایران سازمان‌های خود را در کیفیت‌ها و اشکال متفاوت به وجود آوردند، به شدت و همه جانبه در سرنوشت سیاسی کشور دخالت کردند و توانستند اقبال مختلف خرده بورژوازی را بر گرد خواست‌های خود جمع کرده و نیز از خواست‌های آن‌ها دفاع نمایند.



این شرایط به بخش‌هایی از جنبش کمونیستی امکان داد تا درون طبقه پرولتاریا نفوذ کنند، شعارهای آن را تکامل دهند و در سازمانیابی این طبقه نقش ارزنده‌ای را ایفا نمایند. تکامل فکری این طبقه و رسیدن به خواست و عمل سرنگونی نظام سرمایه‌داری است روندی است که هنوز ادامه دارد.

بورژوازی ایران و کشورهای امپریالیستی دقیقاً از این تکامل و انسجام وحشت کردند و علیه آن انواع توطئه‌ها را تجربه نمودند.

۱- آوردن رضا پهلوی به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی و تقویت مالی و سازمانی سلطنت طلبان به ویژه در خارج از کشور.

۲- سرهم کردن چند مهره شناخته شده و نشده خود به صورت یک گروه نامتجانس، متشکل از رضا پهلوی، مسیح علی‌نژاد، اسماعیلیون، نازنین بنیادی و کریم سجادیور و چند نفر دیگر به صورت آلترناتیو رژیم و رونمایی از آن در کنار کنفرانس مونیخ ۲۰۲۳.

۳- رونمایی "همایش ایرانیان" و برگزاری اولین جلسه افتتاحیه آن در کلن در پشتیبانی از "برنامه حداقلی"

۴- و در این روزها توطئه امپریالیستی علیه جنبش اصیل کارگری ایران به صورت ایجاد "کنفدراسیون کار ایران" که هنوز به دنیا نیامده افشا و در حال سقط جنین است.

چرا نیروهای سپاه امپریالیستی قادر می‌شوند در هر مرحله از تکامل جنبش کارگری ایران آلترناتیوی را بسته بندی کنند و تحویل جنبش کارگری ما بدهند؟ دلیل آن چیست؟ ما دو دلیل کاملاً روشن برای آن می‌بینیم:

۱- ترس از رادیکال شدن جنبش کارگری، کارگری شدن جنبش کمونیستی ایران، سازماندهی مردم برای جنگ مسلحانه توده‌ای علیه ساختار سرمایه‌داری و هراس مرگ از برپائی سوسیالیسم در ایران.

۲- ضعف کشنده (در عین حال خنده آور) جنبش کمونیستی در انجام اولین و مهمترین وظیفه خود: ایجاد گام به گام حزب کمونیست راستین سرتاسری ایران.

خرده بورژوازی لانه کرده در درون جنبش کمونیستی آگاهانه و یا بر مبنای ماهیت دوگانه قوباغ‌ایش تلاش می‌کند از یک جانب علیه رژیم مبارزه کند و شعارهای رادیکال بدهد و از جانب دیگر به هر ترتیبی که شده جلوی ایجاد حزب کمونیست را بگیرد و در راه آن مانع ایجاد کند.

نیروهای امپریالیستی و خرده بورژوازی و بورژوازی ایران علیه طبقه کارگر فعالیت عملی دارند یعنی آلترناتیو درست می‌کنند، روی صحنه می‌آیند و تلاش می‌کنند (مالی و سیاسی) آلترناتیو خود را جا بیاندازند. این تلاش‌ها به علت ارتجاعی بودن آن‌ها، بالا رفتن گام به گام آگاهی طبقه کارگر و افشای ایدئولوژیک - سیاسی این توطئه‌ها توسط جنبش کمونیستی به شکست می‌انجامد. ولی بالاخره این نیروهای سپاه، عمل می‌کنند. برای اهدافشان فعالند.

ولی جنبش کمونیستی نه تنها برای برآوردن اولین و مهمترین وظیفه‌اش فعال نیست بلکه خرده بورژوازی لانه کرده در آن مرتب وظایفی می‌تراشد تا این جنبش را از مسیر اصلی خود دور کند. متأسفانه این خرده بورژوازی تا کنون موفق بوده است.

خرده بورژوازی بر مبنای خصلت و ذات‌اش با همه دنیا در رقابت است. در جنبش کمونیستی این خصلت به صورت دامن زدن به رقابت بخش‌های مختلف جنبش کمونیستی علیه همدیگر، نگاه آدم دزدی از هم، تقویت دید جبهه واحدی در جنبش کمونیستی در فعالیت‌های عملی، ظاهر می‌شود.

ما این تلاش را از حدود ۲۵ سال پیش تا کنون می‌شناسیم که به صورت‌های زیر ظاهر گشته است:

■ "شرایط برای ایجاد حزب کمونیست هنوز فراهم نیست". ما این آیه یأس را سال‌هاست که می‌شنویم. حزب کمونیست ایران در ۱۹۲۰ در یک کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودال به وجود آمد. تعداد کارگران در آن زمان به ۱۵۰ هزار نفر نمی‌رسید. کارخانه‌های بزرگ صنعتی مدرن بسیار اندک بود. تشعشعات انقلابی که از سوسیال دموکراسی روسیه به ایران می‌رسد، اولاً عامل خارجی بود و دوماً در بسیاری از مواقع تلفیق آن با شرایط ایران به مشکلات عدیده‌ای برخورد می‌کرد.

با این وجود در آن دوران شرایط برای ایجاد حزب کمونیست آماده بود. کمونیست‌های آن دوران چیزی داشتند که ما کمونیست‌های این دوران نداریم. اراده برای در هم شکستن منافع سازمانی در خدمت منافع پرولتاریا. اراده برای انجام عملی مهمترین وظیفه‌ای که تاریخ به ما محول کرده است. اگر برای امری اراده کنیم ولی شرایط آن فراهم نباشد، این یک تفکر اراده‌گرایانه است ولی اگر شرایط فراهم باشد و اراده‌ای در میان نباشد، شرایط آماده از بین می‌رود. اراده بخشی از تاریخ است.

امروزه، آگاهی تئوریک - سیاسی و دانش عمومی و همبستگی بین‌المللی کارگران بخصوص کارگران صنعتی در ایران غیر قابل مقایسه با آن دوران است. اکنون این طبقه با جمعیت ۵۴ میلیونی خود (محاسبه با اعضای خانواده‌های کارگران) پر جمعیت‌ترین و تأثیرگذارترین و تنها طبقه انقلابی جامعه ایران است. جهان امپریالیسم در دوران گلوبالیزاسیون به سر می‌برد و تضادهای درونی امپریالیسم و تضاد کار و سرمایه شدت بی نظیری یافته است. درست در چنین شرایط مساعدی با جمله مضحک و شرم‌آور "شرایط هنوز آماده نیست." از انجام وظیفه سترگ خود در قبال طبقه کارگر فرار می‌کنند.

■ دامن زدن به فعالیت‌های خرده کارانه تا فرار از وظیفه اصلی را بپوشاند:

در ژوئن ۲۰۱۲ اولین نشست احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست به صورت یک محفل جبهه واحدی تشکیل شد. در طول چند سال زندگی "پرافتخارش" فقط توانست چند اعلامیه مشترک و دو آکسیون خیابانی سازمان دهد. این شورای هماهنگی به علت ماهیت خرده کارانه‌اش شکست خورد.

در این شورا ۲۵ حزب و سازمان چپ و گروه کمونیستی جمع شده بودند که مهمترین آنها عبارت بود از، حزب کمونیست ایران، سازمان فدائیان اقلیت، هسته اقلیت، حزب رنجبران ایران، سازمان راه کارگر،...

در سال ۲۰۱۷ بدون درس‌گیری از تجربیات قبلی، دوباره شورای هماهنگی نیروهای چپ و کمونیست با ۲۵ سازمان شکل گرفت. برخی از کمونیست‌ها این فعالیت خرده کارانه را نقد کردند و نوشتند که سرنوشت این شورا هم به سرنوشت شورای قبلی گره خورده است. این شورا نیز به شکست و پراکندگی بیشتر کمونیست‌ها انجامید.

باز هم از این تجربه درسی گرفته نشد. مجدداً تعدادی از سازمان‌های کمونیستی "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" را سرهم کردند. این سازمان‌ها عبارتند از: حزب کمونیست ایران، سازمان فدائیان اقلیت، هسته اقلیت، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر.

نتیجه فعالیت مشعشعانه این سازمان‌ها با هم، چیزی جز تعدادی اعلامیه مشترک نیست. سرنوشت آن نیز به سرنوشت دیگر شوراهای نامبرده گره خورده است. سرنوشت از هم پاشیدگی.

انتظار داشتن از این سازمان‌ها در آن زمان برای ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران انتظار نابخردانه‌ای بود. ولی این سازمان‌ها به جای شوراهای جبهه واحدی که سعی می‌کردند آدم‌های هم را نیز از دست هم بقایند، می‌توانستند، در کنفرانس‌های متمادی برای راه‌یابی مشترک جهت نزدیک شدن و ورود به طبقه کارگر و تدارک گام به گام ایجاد حزب کمونیست راستین ایران مشورت و نیروهای خود را متمرکز کنند. لازمه چنین اقدام اساسی، گذشتن از منافع خصوصی، قرار دادن منافع پرولتاریا ماوراء هر منفعی بود. که متأسفانه چنین شهادتی در این سازمان‌ها در آن دوران دیده نمی‌شد. همان طور که گفته شد، امپریالیسم و نیروهای مرتجع، آس دیگری رو کرده‌اند؛ "کنفدراسیون کار ایران".

این یک اقدام است، یک اقدام عملی. در چار چوب یک سازمان، در ارتباط با بزرگان سرمایه بین‌المللی. با خط مشی سیاسی روشن. اعضای فعالش به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک علیه جنبش کمونیستی و در واقع جنبش کارگری شمشیر کشیده‌اند.

ولی جنبش کمونیستی چکار می‌کند؟

افشاگری می‌کند. بعضی از این افشاگری‌ها واقعاً هم عمیق و کوبنده است. این تمام آن چیزی است که سازمان‌های کمونیستی در مقابل این فعالیت‌های عملی مرتجعین و اقشار قورباغه‌ای عرضه می‌کنند.

این آلترناتیوهای خرده بورژوائی و ارتجاعی به مهمترین وظائف تعیین شده برایشان عمل می‌کنند، جنبش کمونیستی از انجام مهمترین وظائفش که ایجاد حزب کمونیست راستین است فرار می‌کند. اگر جنبش کمونیستی فقط افشاگر باشد و عملاً برای انجام مهمترین وظیفه خود آستین‌ها را بالا نزند، روند اوضاع به نفع آلترناتیوهای ارتجاعی تمام خواهد شد.

چه باید کرد؟

۱- هر سازمانی باید در مقابل پرولتاریای ایران و پرولتاریای بین‌المللی در مورد این کم‌کاری از خود انتقاد کند و این انتقاد را حداقل در سطح جنبش کمونیستی آشکار سازد.

۲- ایجاد حزب رهبری کنند واقعی طبقه کارگر، کار یک شب و یک روز نیست. پروسه‌ای نسبتاً طولانی لازم است که این سازمان‌ها در ارتباط فشرده با هم، شرایط و امکانات را برای کارگری شدن این جنبش فراهم کند و در این پروسه گام به گام در جریان یک انتقاد و انتقاد از خود ایدئولوژیک و خط‌مشی‌ای، به وحدت برسند.

چگونه؟

برگزاری کنفرانس مخفی از کلیه سازمان‌های جنبش کمونیستی.

تفاوت "شورای" فعالین چپ و کمونیست که تا کنون دو نوع آن را با شکست از سر گذرانده‌ایم و نوع سوم در گذار شکست قرار دارد با کنفرانس این است که "شورا" هائی از این دست در واقع شورا نیستند، یک جریان منحنی جبهه واحدی هستند که هیچ تعهدی در انجام محتوای تصمیمات مشترک ندارد. ولی کنفرانس کنترل مشترک بر وظایف تعیین شده اعمال می‌کند و انتقاد کمونیستی در آن جریان دارد.

شرکت کنندگان در کنفرانس باید دارای مواضع زیر می‌باشند:

«الف: در درون طبقه کارگر حضور دارند،

ب: به ضرورت وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست راستین پرولتاریا باور دارند.

پ: به انقلاب قهر آمیز توده‌ای به رهبری پرولتاریا معتقدند،

ت: به ایجاد جامعه سوسیالیستی بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران معتقدند.

ث: و بر قراری دیکتاتوری پرولتاریا را برای ساختمان سوسیالیسم قبول دارند.» (کمون شماره ۲۹)

وظیفه این کنفرانس ایجاد حزب کمونیست راستین ایران نیست بلکه راهیابی جهت برداشتن گام‌های ضروری و مشترک برای کارگری کردن این جنبش و پیدا کردن اختلاف اساسی (و نه هر اختلافی) در راه ایجاد حزب و ایجاد امکانات وسیع جهت دامن زدن به بحث در مورد این اختلاف و حل نهائی آن. این پروسه را انتهائی نیست.

ما برای مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری - فاشیستی ایران و دخالت‌های مخرب امپریالیستی در امور داخلی کشورمان، باید عمل کنیم، باید یکی شویم. همان طور که دشمنان ما یکی می‌شوند. ما در وحدت دیالکتیکی و گسترش مبارزه مشترک و متحدانه می‌توانیم تاریخساز شویم. تفرقه ما ناشی از سیاست‌های تفرقه افکنانه دشمنان طبقاتی ماست. با دامن زدن به فعالیت یکی شدن و در قدم اول برگزاری یک کنفرانس، به تفرقه و پراکندگی جواب رد بدهیم.

تفرقه و پراکندگی دیگر بس است! روی به وحدت آوریم!

نظم کمونیستی

27.1.1403